



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۹۳	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۹۳
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجمینبه ۱۹ دیماه ۱۳۰۸ مطابق ۸ شعبان ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعه مجلس	قیمت اشتراک داخله ایران سالانه ده تومان خارجه ۴ دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۹ دیماه ۱۳۰۸ (۸ شعبان ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب سرخصی آقای افخمی
- ۳) طرح و تصویب عهد نامه ایران و حجاز
- ۴) بقیه مذاکرات لایحه تامین مدعی به از ماده ۲۷
- ۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس یکشنبه ۱۵ دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ***

- | | |
|---------------------|----------------------------|
| رئیس - آقای فرخی | رئیس - آقای فیروز آبادی |
| فرخی - قبل از دستور | فیروز آبادی - قبل از دستور |
| رئیس - آقای زوار | رئیس - آقای کازرونی |
| زوار - قبل از دستور | کازرونی - عرضی ندارم |

عین مذاکرات مشروح نود و سومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثناء مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

*** اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : فهیمی - پور محسن - بوشهری - دشتی - دکتر سنک - دکتر امیر اعلم - فولادوند - دیوان بیگی - آقا زاده سبزواری - لرستانی - موقر - اورنگ - مقدم - بروجردی - امیر حسین خان - اعتبار - مهدوی - کفائی - ارباب کیخسرو - رفیع - تیپور تاش

غائبین بی اجازه - آقایان : عبدالحسین خان دیا - افخمی - میرزا حسنخان وثوق - بیات ماکوئی - آصف - اهظم - همراز - حبیبی - دبستانی - ناصری - قوام - ملک مدنی - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : بالیزی - اسدی - عراقی - ذوالقدر

دیر آمده بی اجازه - آقای شریعت زاده

رئیس - آقای طلوع

طلوع - قبل از دستور

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

بعضی از نمایندگان - دستور

[۲ - تصویب مرخصی آقای افخمی]

رئیس - راپورتی از کمیسیون عرایض رسیده است قرائت میشود :

خبر مرخصی آقای افخمی

نماینده محترم آقای افخمی برای لزوم مسافرتی از دوازدهم دیماه ۱۳۰۸ اجازه يك ماه مرخصی نمودند کمیسیون بانظریه ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در تعقیب همان نظریات خودم عرض میکنم که آقایان در گرفتن مرخصی آزادند ولی چیزیکه هست لا اقل يك مقداری از حقوقشان را در این زمستانی بجهت فقرا تخصیص بدهند اگر يك عشرش هم باشد و چون در این مرخصی این عمل نشده بنده کاملاً مخالفم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم آقای افخمی چند دوره است که نماینده هستند و اداء وظیفه میکنند و خیلی کم مرخصی داشته اند شاید بنده در خاطر داشتم که در این مدت خیلی کم مرخصی داشته اند و میتوانم عرض کنم به اندازه خود بنده هم نداشته اند این را هم میخواستم

عرض کنم به حضرت آقای فیروز آبادی که هیچ نماینده قبل از اینکه اجازه مرخصی تصویب شود نمیتواند چیزی از حقوقش را به بخشد برای اینکه این حق وقتی تعلق میگردد که مجلس رأی داده باشد شاید مجلس رد کند آنوقت چطور میشود اصلاً این يك راه غلطی است که قبل از تصویب مرخصی يك مقداری از حقوق بفالان مصرف برسد زیرا حقی به او تعلق نمیگیرد .

رئیس - رای میگیریم بمقاد خبر کمیسیون آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد [۳ - طرح و تصویب عهد نامه ایران و حجاز]

رئیس - در نتیجه توضیحی که آقای یاسائی خواسته بودند راجع بعهد نامه حجاز و ارجاع بکمیسیون شده بود کمیسیون رابرتی تنظیم کرده است قرائت میشود :

خبر کمیسیون امور خارجه :

کمیسیون امور خارجه پیشنهاد آقای یاسائی را که در اثر قابل توجه شدن در مجلس شورای ملی بکمیسیون ارجاع شده بود دقیقاً مطالعه نموده و پس از بیانان جامعی که از طرف آقای وزیر امور خارجه در این مورد شد آقای یاسائی اذعان شده و از پیشنهاد خودشان صرف نظر نموده و اینک عین خبر سابق را بدون کم و زیاد برای تصویب ثانیاً تقدیم میدارد

طلوع - دولت نیست

روحی - من دولت

طلوع - این نمیشود در این لایحه دولت باید باشد

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میکنم غالب رفقا به بنده اعتراض کردند که چطور شده است بنده اذعان شده ام (بعضی از نمایندگان اذعان شما کافی نیست) بنده اعضاء کمیسیون خارجه را شاهد میگیرم که آقای وزیر امور خارجه آمدند در کمیسیون و اعضاء کمیسیون بنده را احضار فرمودند و بعد

در آنجا ایشان توضیحانی دادند بنده قبول کردم که پیشنهاد خود را تعقیب نکنم مشروط براینکه خود وزیر امور خارجه در مجلس تشریف بیاورند و توضیحاتی بدهند بعضی از نمایندگان - کو وزیر خارجه

کلالی - مخبر توضیح میدهد

طلوع - استدعا میکنم از دستور خارج بشود

یاسائی - و يك توضیحاتی بدهد که آن توضیحات بنظر بنده همه را اذعان میکند حالا بسته بنظر آقایان است خواستم بعرض آقان برسانم که صورت مجلس کمیسیون هم هست

رئیس - امروز صبح آقای وزیر امور خارجه بمن تلفون کرده اند که سه چهار روز است ناخوش هستند و برای بیرون آمدن حاضر نیستند . طیب ایشان را منع کرده است که بیرون نیایند و اگر بیرون بیایند ممکن است ناخوش شوند و بعلاوه آقای مخبر . . . بعضی از نمایندگان - نمی شود . مجلس از دولت می خواهد .

رئیس - توضیح میدهند اینکه گفته شد که باید خودشان توضیح بدهند . اگر آقای مخبر از زبان ایشان برای ما چیزی نقل بکنند برای ما معتبر است . غالباً مطالب کتابت میشود .

روحی (مخبر کمیسیون امور خارجه) - عرض میکنم آقای وزیر امور خارجه در کمیسیون خارجه تشریف آوردند . . .

افسر - بفرمائید پشت ریبون

روحی - (پشت کرسی نطق) و راجع بکلمه

ملحقات که در این ماده قید شده است و نماینده محترم آقای یاسائی و جمعی از آقایان دیگر که معترض بودند و توضیحاتی میخواستند شاید يك سوء تفاهاتی برایشان شده بود توضیحات جامعی دادند بحدی که خودشان قانع شدند و باعث شدند که از پیشنهادشان صرف نظر کند و بنده آنچه را که شنیدم اجازه بدهید

عرض کنم .

جمشیدی - دلایل چیست که ایشان اذعان شدند .

مخبر - اجازه بدهید بنده حضور عالی عرض کنم اگر نظر آقایان محترم متوجه يك قسمت از مملکت است که : بحرین باشد بطوری که در کمیسیون گفته شد برای اطلاع آقایان عرض میکنم که این مسئله است تاریخی . و ادله تاریخی و هزاران ادله بیشتر دیگر ثابت میدارد که بحرین ملك طلق مسلم دولت ایران است . . . (نمایندگان - صحیح است)

کازرونی - این محل تردید نیست . حرف او نیست طلوع - در این شبهه نیست .

دهستانی - این مسئله قطعی است .

مخبر - اجازه بدهید آقایان همکاران من حتی هیئت محترم دولت حتی آن ایرانی که در اقصی نقاط مملکت « شاید در انتهای بلوچستان زندگانی میکنند » همه این حق معترفند که بحرین ملك طلق ایران است . . .

بعضی از نمایندگان - این محل تردید نیست . (صدای زنگ رئیس)

مخبر - نامل بفرمائید اجازه بدهید ، این بیانی که من اینجا برای شما میکنم و سندیت دارد عین بیانی بوده است که آقای وزیر امور خارجه در کمیسیون کرده است و بنده عقیده دارم که بیش از این اشکال نکنید و باین لایحه رأی بدهید به علاوه این را هم بدانید که در اطراف معاهداتی که بین دول بسته میشود و کلاء حق این همه کشمکش و مذاکره ندارند هر اعتراضی که دارند باید به کمیسیون بفرستند و بنده که مخبرم و این عرایض را میکنم مطمئنم که هیچ جای تردیدی نیست

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض میکنم در جلسه اسبق که پیشنهاد

آقای یاسائی قرائت شد بنده اجازه خواستم که توضیحاتی عرض کنم نوبت به بنده نرسید بعقیده بنده پیشنهاد آقای یاسائی اصلاً مورد نداشت این کلمه ملحقات لازم نیست تا اینهمه ما را معطل کند زیرا واضح است عرض کنم جزیره العرب البته يك تقسیماتی دارد يك قسمتش نجد است يك قسمتش حجاز است (این ابن سعود فعلاً سلطان نجد و حجاز است) و این يك ملحقاتی دارد مثلاً بفرمائید جبل مشرف جزو نجد نیست ولی از ملحقات نجد است و همینطور خیلی جاها ^{مرد طایف از طایف عرب است} طائف تا مکه بیش از نیم فرسخ نیست دشتی - این دلیل نشد آقا هرجا که نزدیک است جزو ملحقات است؟ بادکوبه هم نزدیک انزلی است پس بگوئیم جزو ایران است؟ این حجاز بالطبع يك ملحقاتی دارد. نجد هم يك ملحقاتی دارد. جزیره العرب هم يك تقسیمات جغرافیائی دارد. و این تقسیمات خیلی مفصل است: یمن است، طائف است، نجد است، حجاز است، و بالاخره وقتی میگویند پادشاه نجد و حجاز و ملحقات آن یعنی ملحقات نجد و حجاز یعنی آن حواشی که جزو نجد نیست ولی فعلاً در دست او است فرض بفرمائید بین النهرین - بین النهرین ابداً جزو جزیره العرب نیست. بعضی حواشی خلیج فارس این ها اصلاً بر حسب تقسیمات سیاسی و جغرافیائی جزو جزیره العرب محسوب نمیشوند ملحقات نجد و حجاز عبارتست از يك واحد ها و بعضی جبل هائی که فعلاً در تحت اقتدار و حکومت ابن سعود و واضح است. و بنده تصور میکنم اگر آقای وزیر خارجه هم بودند بیش از این توضیحات نمیدادند.

رئیس - آقایان آقا سید یعقوب و فیروز آبادی پیشنهاد کردند لایحه از دستور خارج شود. آقای آقا سید یعقوب طواع - صحیح است دشتی - بنده مخالفم

آقا سید یعقوب - بنده جلب میکنم توجه مخبر را نظر چه چیز است؟! عهد نامه با يك دولتی است ما که نمیخواهیم با يك دولت دیگر اظهار عناد کنیم نظر آقایان این است نماینده دولت که وزیر امور خارجه باشد و مستحضر است تشریف بیاورند و بیشتر صحبت کنند و الا مخالفت نداریم آقای یاسائی هم که ما بایشان اعتماد داشتیم گفتند فرار دادیم که آقای وزیر امور خارجه که نماینده دولت هستند بیایند و رسماً توضیحات بدهند. مخبر خودشان مثل بنده وکیل هستند تا روز یکشنبه هم عجله نداریم. انشاء الله تا آن موقع رفع کسالت ایشان میشود و آرزو ایشان با يك وزیر دیگری مثلاً وزیر عدلیه مییابند و بیان میکنند همیشه فرار این طور بوده که عهد نامه ها با حضور نمایندگان دولت مطرح میشد و بحث میشده است نظر بنده این بود. پیشنهاد هم کرده ام. حالا شما نظر خودتان را بفرمائید

رئیس - آقای دشتی - عرض میکنم وزیر امور خارجه آمده در کبسیون و توضیحات خودش را هم داده است. و اگر هم فرضاً بیایند این جا شما بدانید که قطعاً ایشان هیچ معجزه نخواهند کرد. و اگر هم وزیر خارجه یا رئیس الوزراء هم بیایند غرض از ملحقات نجد و حجاز چنانچه عرض کردم عبارت از نقاط کوچکی است که در اطراف نجد و حجاز واقع که در تحت امارت ابن سعود است. و این ها با يك فرمالیته ایست و این ملحقات يك چیز مهمی نیست که ببخود ما را متوحش میکند (آقا سید یعقوب در اصل عهد نامه صحبت نکنید خارج از نظامنامه است) ملحقات نجد و حجاز را آقای وزیر امور خارجه در کبسیون اظهار کرده است و غیر از اینکه عرض کرد هیچ نیست و عبارت از قطعات کوچکی است که فعلاً از نظر جغرافیائی جزو نجد و حجاز و امروزه جزو اقتدارات او است.

رئیس - آقایانیکه موافقت این لایحه از دستور خارج شود قیام فرمایند.

(معدودی قیام کردند)
رئیس - تصویب نشد. ماده واحده قرائت میشود
رای میگیریم
(بشرح آتی خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه مودت را که مشتمل بر پنج ماده و در تاریخ دوم شهریور ماه ۱۳۰۸ بین دولتین ایران و حجاز و نجد و ملحقات آن امضا شده تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را بدولت میدهد.

رئیس - موافقین باماده واحده قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد

۴ - بقیه مذاکرات لایحه تا این مدعی به از ماده ۲۷]
رئیس - ماده ۲۷ قانون مدعی به مطرح است قرائت میشود:
ماده بیست و هفتم - هرگاه مدعی علیه بموجب حکم قطعی محکوم گردد و اموال او کفایت ندهد محکوم به را نکند یا دسترسی باموال او نباشد همان که برای تأمین مدعی به ضمانت کرده است باید بعهده محکوم به بر آید

محل محکوم به از ضامن بعد از ابلاغ حکم محکومیت مدعی علیه باو بهمان طریقی که برای اجرای احکام ضرر است بعمل میاید
رئیس - آقای کیا کیا انوری - در ماده ۲۶ و ماده ۲۷ يك تناقضی در ولی در صورتیکه مقیاس عمل معلوم شود البته تناقضی است و ممکن است یکی از اینها حذف شود. آقای سید یعقوب که عضو کمیسیون عدلیه هستند میفرمایند ما ضمانت را نقل ذمه به ذمه میدانیم و اگر روی

آن میزان باشد ماده ۲۶ که میگوید اموال ضامن توقیف میشود صحیح ولی ماده ۲۷ که بعد مراجعه به محکوم علیه میشود بی جا است و اگر مقیاس را فرمایش آقای یاسائی بگیریم که این ضمانت يك ضمانت عرفی است یعنی در صورت امتناع محکوم علیه یا نداشتن مال محکوم به آنوقت بضامن مراجعه میشود در اینصورت ماده ۲۶ زیادی است زیرا مجازات قبل از جنایت هیچ تصور نمیشود در اینجا هنوز بمحکوم علیه مراجعه نشده اموال ضامن را توقیف میکند! بنده بنظرم میرسد که هر کدام از این مقیاس هارا که ما در نظر بگیریم یکی از این مواد الغاء شود و بین این دو ماده هیچ متناسب نیست زیرا ماده ۲۶ همانطور که عرض کردم میگوید بدون مراجعه بدوی بمحکوم علیه اموال ضامن توقیف میشود اگر آن جوری است که پریروز فرمودند و از باب احتیاط است ممکن است فردا هم بنده يك ضمانتی بکنم در عدلیه و يك مرافعه پیدا بکنم آنوقت بیایند و اموال من را توقیف بکنند ممکن است خود محکوم علیه مال داشته باشد و مالش هم مقدار مدعی به را تأدیه میکند دیگر چرا اموال ضامن را توقیف بکنند؟! و ما تصور نمیکنیم مقتضی باشد اموال ضامن توقیف شود مخصوصاً در قسمت تجار بازاری این مسئله خیلی تأثیر دارد و ممکن است يك نفر آدم را بکلی از اعتبار بیندازد در صورتیکه هنوز باین آدم مراجعه نشده است تا به بینیم دارد یا ندارد فوراً بروند دکان و مال ضامن را توقیف کنند (زیرا ممکن است محکوم علیه بمقدار مدعی به نداشته باشد) در اینصورت بنده تصور نمیکنم در صورت میزان ضمانت عرفی است یعنی در صورت ندادن محکوم علیه بضامن مراجعه شود با این ترتیب خوبست ماده ۲۶ را الغاء فرمایند و اگر میزان آن طور است که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند که ضمانت عبارت از نقل ذمه بذمه است پس ماده ۲۷ الغاء میشود. زیرا در اینصورت مراجعه بمحکوم علیه نشده و از ضامن گرفته میشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت؟

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - البته تصدیق میفرمائید که ضمانت بر دو قسم است یکی ضمانت شرعی است البته در ضمانت شرعی تعلیق نیست و ضمانت تعلیقی باطل است. و ضمانت عبارتست از نقل ذمه بنده. بنده که ضمانت از کسی کرده ام باید آن پول را بدهم در اینصورت دیگر البته نباید بمحکوم علیه مراجعه شود. و يك ضمانتی است که در قانون اصول محاکمات تصریح شده و آن ضمانت تعلیقی است و همان تعبیری است که آقای مخبر (آقای یاسائی) در جلسه گذشته بیان کردند که عبارت از تعهد و التزام است.

کیانوری - پس ماده ۲۶ لغو میشود.

مؤید احمدی - بنده التزام میکنم اگر زبدي محکوم

شد من از عهده بر آیم این در واقع التزام و تعهدی است که مربوط به ضمانت نیست یعنی در آن ضمانت بمقتضای شرعی اول رجوع میکنند به محکوم علیه اگر محکوم علیه دارائی دارد ضبط میکنند ولی اگر دسترسی باموالش نیست آنوقت رجوع میکنند بضمامن یعنی بان ملتزم و متعهد. حالا اگر در اصطلاح و لفظش اشکالی دارد ممکن است این را دو قسم بکنند که در کمیسیون باسم ضمانت و التزام نوشته شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب همین تقسیمی که آقای مؤید احمدی

فرمودند (شاید حالا بنده در کمیسیون نبودم یا نظرم نیست) ولی در هر حال مذاکره شد که ضمانت بر دو قسم است. يك قسم ضمانت مال مجب است و یکی هم ضمانت ما مجب. حالا این ترتیبات را بنده در نظر نداشتم و چون در نظر نداشتم عرایضی را آن روز عرض کردم

و آقای ضیاء کاملاً مستحضر شدند و عقیده ام این است که این در تعقیب همان است ضابطی که ما این جا رأی میدهم به عقیده بنده ضابطی بود که در صورت ندادن محکوم علیه مال منتقل بنده این باشد و این انتقال اشتغال ذمه باشد از این جهت پیشنهاد کردم که بجای توقیف توقیف مال از ضامن نوشته شود وصول مال از ضامن حالا برای خاطر رفع فرمایش آقای کیا عرض میکنم که این ماده میشود بجای خودش باشد ولی این کلمه: یا دسترس باموال او نباشد همین که حکم صادر شد بر محکومیت مدعی علیه و محکوم واقع شد اگر مالی هست باید اول باو رجوع کرد اگر نشد بایستی از ضامن بگیرند چرا؟ بعلم اینکه ما غیر از این دو قسم ضامن نداریم بنده نظر ندارم یکی هم اینکه عبارت دسترس باموال او نداشته باشد دولت چطور دسترس باموال او ندارد؛ مالش در بانک است توقیف میکند. دولت دسترس ندارد اما مردم دسترس دارند؟! این هم يك کلمه ایست که اسباب تعویق اجرای حکم است این است که بنده مخالفم.

یاسائی - (مخبر کمیسیون عدلیه) - ضمانت بموجب قانون کلی که معتبر است و میخواهیم این قانون را جای آن بگذاریم بر دو قسم است ضمانت کامل و ضمانت مقید ضمانت کامل همان است که آقای آقا سید یعقوب توضیح دادند ضمانت مقید آنست که این جا نوشته شده و نظرم این بود که ضمانت قانونی که گفته میشود همان ضمانت مقید است و مادامی که ممکن است مال محکوم علیه توقیف شود بضمامن مراجعه نشود. دیگر مراجعه احتیاطی است که عبارت از تأمین مال است پس از اینکه اجرائی عدلیه از اخذ محکوم به از محکوم علیه مأیوس شد آنوقت بضمامن مراجعه میکنند و این اعتراض را هم که آقای کیا فرمودند راجع بماده ۲۶ بعقیده بنده وارد نیست زیرا ماده ۲۶ نمیکوید از ضامن گرفته شود. گرفتن محکوم از ضامن بموجب ماده ۲۷ است در ماده ۲۶ گفته

میشود تأمین احتیاطی گرفته میشود تا به بینیم محکوم علیه میتواند بدهد میشود از او وصول کرد یا خیر. در هر حال این مسئله نظری است و در اینماده هم در جلسه سابق خیلی مذاکره شد بعد هم در کمیسیون صحبت خواهد شد اما اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند که این جا نوشته (یا دسترس باموال او نباشد) و نسبت باین عبارت اعتراض داشتند این چیزی است که عقلاً هم باید همینطور باشد و الان هم همینطور است ممکن است محکوم علیه دارائی داشته باشد اما مأمورین اجرای عدلیه ندانند یا نمیتوانند دسترس باو پیدا کنند فرض کنید پول دارد توی خانه اش توی صندوق مأمور اجرای عدلیه که نمیتواند برخلاف قانون اساسی برود توی خانه اش يك تفتیشاتی بکند به خیال اینکه محکوم له گفته او مال دارد يك معایب دیگری دارد اجرائی عدلیه اگر اموالی در دسترس هست و ظاهراً معلوم است از منقول و غیر منقول مطابق مقررات اجرائی توقیف میکند ولی اگر يك چیزهای دیگری هست که دسترس ندارد یا نمیداند یا نمیتواند باصطلاح توقیف کند یا يك مشکلات قانونی دیگر دارد باید تصدیق بفرمائید که نباید برود سراغ آن چیزهایی که احتمالاً محکوم له معین کرده است بنا بر این این عبارت لازم است زیرا ممکن است محکوم له برای تضییقات به محکوم علیه يك چیزهایی را معرفی کند که اصلاً اساس نداشته باشد مثلاً بگوید خیر پول نقد چنین چنان دارد ولی بعد بروند تحقیقات و تفتیشات بکنند به بینند چیزی نیست در هر صورت قید این عبارت در این جا بعقیده بنده لازم است در قوانین فعلی هم هست چیز تازه نیست

رئیس - ماده ۲۸ قرائت میشود:

ماده ۲۸ - دفتر محکمه مکلف است در ظرف دو روز سواد قرار محکمه را در باب توقیف مال غیر منقول بداره ثبت اسناد محل وقوع ملک ارسال دارد در قرار مزبور باید اسم و اسم پدر و اسم خانواده و

شغل مدعی علیه یا محکوم علیه و مقدار مدعی به یا محکوم به و نوع ملک توقیف شده صریحاً قید گردد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این موضوعی را که در این قسمت سوم ذکر کرده است یکموضوعی است که در کمیسیون هم در اینباب خیلی مذاکره شده است و اینکه بنده عرض میکنم برای تشریح و حاضر کردن ذهن آقایان نمایندگان است نسبت باین مسئله اصل اساس توقیفاتی که در مملکت ما شده است از طرف دولت باندازه این توقیفات خطرناک است و بهت آور شده است که خود آقای یاسائی هم کاملاً مستحضرند و با بنده هم موافق بودند که گفتیم ما باید يك کاری کنیم که توقیف نسبت باملاک بر داشته شود چرا برای خاطر اینکه ملاحظه بفرمائید توقیفاتی که در این مملکت نسبت باملاک کرده اند چه ترتیب بوده است املاک ارباب جمشید را که توقیف کردند آن املاک بکلی از حیز انتفاع افتاده و طلبکار هایش هم چیزی بدستشان نیامد و رعابایش هم بکلی از بین رفتند و سرگردان شدند این يك توقیف توقیف اموال سپهسالار سالی سیصد هزار تومان چهار صد هزار تومان محصول ملکی داشت از ساحل بحر خزر تا گیلان و طرف قزوین و طهران توقیف کردند سؤال کنید به بینید که توقیف این املاک چه کرده است و چه نتیجه برای دولت حاصل شده است آن دعوائی را که دولت داشته یعنی میگوید من طلب دارم سؤال کرده است. یکوقت شد در این مجلس سؤال کنید؟! سه چهار سال است که سپهسالار خودش را کشت و مالش را هم توقیف کردید چه وصول کردید این چند سال این منافع کجا رفته است؟! کی خورده است؟! چه شده است؟! مجلس شورای ملی است سؤال کنید کسی جرات نمیکند کسی نمیتواند بگوید بتو چه. اموال حاج امین الضرب را توقیف کردند همینطور جای دیگر

جای دیگر املاک بکلی از حیز انتفاع افتاد و هیچ فایده هم نکرد و نداشت و نبردند در طرف آذربایجان هم همینطور فارس هم همینطور هر کجا کلمه توقیف رویش رفت بکلی از حیز انتفاع افتاد این يك دردی است که همه آقایان میدانند و مستحضردن این یکموضوع که کاملاً جلب نظر اعضاء محترم کمیسیون عدلیه را کرده بود که گفتیم يك کاری بکنیم در این باب که کلمه توقیف را از بین ببریم این لفظ را از قوانینمان برداریم حالا دولت خودش توقیف میکند بدون اینکه رعایت بکند ما دیگر قانون دستش نداده باشیم که برود توقیف کند چرا بعلمت اینکه در موقع عمل و اجرا این مسئله فوق‌العاده بر ثروت مملکت ضرر وارد آورده است و ما باید حافظ این مسئله باشیم (نمایندگان - صحیح است) این یکموضوع موضوع دیگر در مسئله تأمین مدعی به است در این جا چنانچه خاطر آقایان باشد سه مسئله در نظر گرفته شد یکی گفتیم صیانت مال مدعی یعنی مال کسیکه . . بقول آقای دکتر حسنخان مال مدعی به اعتبار مالک بودن و یکی هم تضییق بر مدعی علیه . حالا در توقیف کردن نظران این بوده است که توقیف بشود یعنی صیانت مال آتیه بشود که اگر بعد از محکمه حکم صادر شد که این مال فلانکس است ما صیانت کرده باشیم و تضییق هم نیست حالا بنده چون اساساً با این مقدماتی که بعرض رساندم راجع بتوقیف این جور اجرائیات شده است و اینجور مضیقه برای مردم شده است بکلی مخالفم و لو اینکه در مواد بعد هم يك تسهیلاتی ملاحظه شده است که توقیف محصول چه جور شد توقیف ملک بنا شد چه باشد اما نمیدانم چه اثری دارد این کلمه توقیف که بمجرد اینکه این کلمه توقیف روی هر چیزی آمد لات‌الذاتش میکند و بنای از همه چیز می اندازد ولو اینکه تنظیماتش هم درست بشود . بنده اساساً با توقیف نسبت به املاک و محصول جداً مخالفم حالا میفرمائید صیانت مال مدعی را

چکار کنند؟ بنده این جا نظرم یک نظر عامی و عمومی است و ما باید صلاح عامه را در نظر بگیریم نه صلاح شخصی را اگر توقیف نشود یک مدعی در این جا صیانت مالش نشود است ولی ما باید کاری کنیم که در قانون عنوان توقیف املاک از بین برود و لو اینکه در سه جا یک مدعی حقتش از بین برود بهتر است تا اینکه کلمه توقیف باقی بماند این عواقب وخیم برایش باشد این است که بنده اساساً نسبت باموال غیرمنقول که عبارت از املاک باشد منافع املاک باشد که مانع آنهاست بنده بکلی مخالفم حالا هر جور جواب داده شود اساساً مخالفم بجهت اینکه من منافع عامه را ملاحظه میکنم . مجلس هم اگر موافقت بکند خوبست عنوان توقیف نسبت باملاک نباشد .

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده با ماده موافقم

رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - آقای نماینده محترم يك نظریات کلی راجع بتوقیف که مربوط است باصول مصونیت و بالاخره اینکه ترتیبات قانونی باید رعایت شود اظهار نمودند البته اگر در يك مواقعی تخلفاتی از قانون از طرف ماورینی میشود نباید این را ملاک قرار داد و گفت يك عنوانی را باید لغو کنیم و از بین ببریم وقتی که يك مدعی دلائلش قوی شد و موجبات تأمین مدعی به فراهم شد البته اگر ضامن نداشتند باید لازم است که اموال غیر منقولش توقیف شود بملامه در این موادی که تنظیم شده است مراعاتهایی شده است که آن مصلحتی را که آقای آقا سید یعقوب در نظر دارند تأمین کرده است این است که بنظر بنده نمیشود گفت در تأمین مدعی به عنوان توقیف مطلقاً حذف شود زیرا اگر اینطور بشود غالباً ممکن است مدعی به تأمین نشود

رئیس - آقای کیا مخالفید؟

کیا - بله

رئیس - بفرمائید

کیا - در ماده ۲۸ این جا مینویسد: دفتر محکمه مکلف است در ظرف دو روز سواد قرار محکمه را در باب توقیف مال غیر منقول بداره ثبت اسناد محل وقوع ملک ارسال دارد . ولی اینجا در ذیلش مینویسد و اگر ملک بموجب دفتر املاک متعلق بمدعی علیه یا محکوم علیه نباشد آن را نیز باید بدفتر محکمه اطلاع دهد . ما در ظرف چند روز دیگر هیچ نوشته است ممکن است مال این شخص اینجا توقیف شود و حالش معلوم نباشد اداره ثبت اسناد یکماه دو ماه معطل و بلا تکلیف گذارد بنده در اینجا معتقدم که باید اضافه شود که آن را نیز در ظرف دو روز باید بدفتر محکمه اطلاع دهد در این جا هم باید لفظ دو روز تکرار شود .

مخبر - عرض کنم این جا پیش بینی شد پس از آنکه قرار توقیف صادر شد باید در ظرف دو روز بدفتر اداره ثبت اطلاع دهد این جا يك جهتی دارد البته دفتر را مکلف و ملزم کرده که غفلت نکند ولی در قسمتی که حضرتعالی اشاره فرمودید قهراً بسرعت یاد داشت از طرف اداره ثبت اسناد به محکمه فرستاده میشود گفته میشود قرار را باید به ثبت اسناد ابلاغ کرد چرا برای اینکه اگر در دفتر املاکی مورد اعتراض است و مال دیگری است فوری خود اداره ثبت اطلاع بدهد بمحکمه که بنده شما قرار را متوجه بملک کردیده ملک مال دیگری است که پیخود ملک مردم بنام ملک دیگری ثبت نشود مملکات اجرای قرار بموجب مواد قبیل اگر نظران شد فوری است یعنی بعد از ابلاغ قرار فوری شروع میکنند با اجرا . اگر در دفتر باسم کس دیگر باشد و متصرف دیگری باشد خودش با کمال عجله و شتاب میرود و ادار میکند که فوری اطلاع بدهند بهر حال موجبات سریع از طرف آن کسی فراهم میشود که این توقیف راه اوست ولی ممکن است این را هم پیشنهاد کنید که در ظرف دو روز یا بیست و چهار ساعت یا کمتر یا بیشتر هر چه بنظران میرسد مانعی ندارد ولی اگر هم

قید نشود طبیعتاً عجله درش میشود قید هم بشود همینطور است

رئیس - ماده ۲۹ قرائت میشود:

ماده ۲۹ - بعد از زوال جهة توقیف رفع توقیف نیز بموجب قرار محکمه بعمل می آید سواد این قرار نیز بطوریکه در ماده قبل مقرر است بداره ثبت اسناد ارسال میشود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده نسبت باین قسمتی که تنظیم شده موافقم ولی بنظر بنده يك نقصی دارد و آن را عرض میکنم که آقای مخبر توجه کنند گاهی از اوقات میشود که محاکم قرار تأمین مدعی به را صادر میکنند ولی در نتیجه رسیدگی قضائی صدور حکم ببطالان دعوی مدعی میشود آنوقت اشکال میکند که این حکم چون قطعی نیست بنا بر این نمیشود گفت نه این حکم مستلزم قرار تأمین است . بنظر بنده باید در ماده قید شود که هر وقت مدعی بحکم محکمه بدایت محکوم شد خود آن حکم مستلزم فسخ قرار تأمین باشد دیگر احتیاجی نداشته باشد که قرار ثانوی صادر شود چون بنده تجربه دارم در این قبیل مسائل مشکلاتی تولید شده است از این جهت این تذکر را دادم

مخبر - هر چند این نظر نظر صحیحی است ولی

بطور مطلق هم نمیشود گفت همینقدر حکم ببطالان دعوی مدعی که صادر شد قرار تأمین هم از بین برود . بنده تصور میکنم که در خاطر بسپارید که درشور دوم اینطور اصلاح کنیم که اختیار را باستیناف بدهیم برای اینکه این حکم با فرضی که فرمودید حکم غیر قطعی باشد یعنی قابل استیناف باشد ممکن است که استیناف آن حکم را فسخ بکند و حکمی بدهد بر خلاف او . پس ممکن است بنظر استیناف بگذاریم که بعد از ملاحظه و مشاهده استیناف که حکم را صادر کرده به بیند این حکم اساساً

دارد یا خیر اگر اساسی داشت که البته قرار تأمین را فسخ نباید کرد و اگر چنانچه دید اساس ندارد البته قرار تأمین آنوقت همینطوری است که فرمودید در هر صورت مسئله نظری است و بعد مطالعه میشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده کاملاً بانظر آقای شریعت زاده موافقم و حالا به آقای یاسائی عرض میکنم اصل اساس نظر بنده همان بود که عرض کردم که با توقیف اموال غیر منقول مخالفم. حالا که عقیده من این شد پس هر جایی که مفری پیدا کنم که عقیده خود را پیش ببرم عرض میکنم حالا شما در جواب آقای شریعت زاده می فرمائید که بعد از آنکه جهت توقیف رفع شد باید باستیناف رجوع شود بنده عرض میکنم آقا این محکمه که حکم را صادر کرده و میرد باجرا همانوقت که حکم داد باید قرار تأمین هم از بین برود چرا؟ برای اینکه باز یک مدتی در بین می آید که از این محکمه برود بآن محکمه و محکمه دو مرتبه تشکیل جلسه بدهد آنوقت قرار رفع توقیف را صادر کند بعد از آنجا به ثبت اسناد اطلاع بدهد. بنده عرض میکنم که یکساعتش هم بعقیده بنده بر خلاف است. حالا که بقول آقای شریعت زاده که میفرمایند در بعضی جاها ناچاریم بقدری که ناچاریم باید توقیف کنیم و بمجرد اینکه آن ناچاری مبدل بچاره شد و راه پیدا شد فوراً باید بموقع اجرا گذارده شود که رفع توقیف بشود و دیگر محتاج بقرار نباشد که صادر کند.

مخبر - عرض کردم حکمی که محکمه ابتدائی میدهد با فرض اینکه غیر قطعی است معلوم نیست بحق باشد ممکن است استیناف حکم محکمه ابتدائی را ابطال کند فسخ کند در اینصورت اگر بگوئیم که قرار تأمین بموجب حکم محکمه ابتدائی فسخ شود ممکن است یک خسارتی وارد شود چون ممکن است استیناف اتفاقاً حکم را نقض

کند و بر له مدعی بدهد یعنی بر له کسی که تأمین بر له او بوده است آنوقت دو مرتبه تأمین را بخوانند از سر بگیرند بنظر بنده کار مشکلی است تدارکش که آسانی نیست پس بهتر این است که این را بنظر محکم استیناف قرار دهیم اینکه بنده عرض میکنم نظر شخص خودم است چون در کمیسیون این قضیه مورد مطالعه نشده و حالا آقای شریعت زاده مبتکراً بیان کردند با آقای وزیر عدلیه مذاکره میکنیم و در شور ثانی صحبت میکنیم

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده احتمال هیچوقت. قابل معارضه در مقابل نتیجه قطعی یک موضوعی نیست (سید یعقوب - صحیح است) همیشه نظر یک محکمه سبب توقیف است و نظر محکمه غالباً متوجه ماهیت دعوی است و وقتی دلائل و اوضاع و احوال دعوی دلالت بحقانیت دعوی داشته باشد محکمه قرار صادر میکند وقتی که محکمه ام حق را نقض کرد از مدعی محکمه موجبی برای ادا توقیف نمیداند بنا بر این حتماً باید مطابق اصول این حکم ملازم با رفع توقیف باشد. البته آن نظری هم آقا میفرمائید آن هم يك نظری است در جای خود صحیح زیرا احتمال اینکه بغلط محکمه حکم داده باشد وارد است در عین حال مرجع استینافی هم صلاحیت ندارد بر ابطال تقاضای تأمین. کسی که از يك حکمی استیناف میکند میتواند در همان زمان بگوید چون این حکم ملازم با رفع توقیف شده و باعث ضرر من است و باین دلائل موجبات تأمین فراهم است لذا باید تأمین بشود بنا بر این دلائل بنظر بنده لازم است که رفع توقیف بشود و این مطلب تأمین شود

مخبر - عرض میشود این نظری که فرمودید صدور فر

بسته بنظر قاضی است اگر نظر مبارک باشد موادی که مایک قسمتش را گذرانند بر عکس این نظریه است در آنجا ما گفتیم در بعضی موارد قاضی مجبور است که قرار تأمین صادر کند و اغلب مواردی که ذکر کردیم موارد الزامی بود و بنا بر این قاضی نظر خودش را نمیتواند میزان قرار دهد اگر اینطور باشد که فعلاً هست البته نظر خود قاضی شرط است ولی ما آمدیم يك مواردی را قویاً شرط کردیم که قاضی حتماً باید قرار تأمین صادر کند و اصل مبدء صدور قرار را ادله قرار دادیم نه نظر قاضی وقتی این طور شد باید بنظر استیناف واگذار شود

رئیس - پیشنهاداتی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۹ این نوع اصلاح شود: پس از زوال جهت توقیف رفع توقیف بعمل خواهد آمد بدون رجوع بمحکمه.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمته

پیشنهاد میشود در ماده ۲۹ و ۲۸ جمله ثبت اسناد تبدیل شود به ثبت املاک.

یاسائی - مقصود هم همین است

رئیس - ماده سی ام قرائت میشود:

ماده سی ام - توقیف اموال غیر منقول بمجرد ابلاغ قرار محکمه بمدعی علیه یا محکوم علیه بعمل می آید

رئیس - مخالفی ندارد. ماده سی و یکم خوانده میشود: ماده سی و یکم - هرگاه ملکی که عین مدعی به یا محکوم به است توقیف شود مدعی علیه یا محکوم علیه حق ندارد ابنیه آنرا خراب کند یا اشجار آنرا بیندازد مگر باندازه که برای حفظ خود ملک از خرابی لازم است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این يك موضوعی است که خیلی قابل توجه است بواسطه اینکه در اینجا نوشته است هر گاه ملکی که عین مدعی به یا محکوم به است توقیف شود مدعی علیه یا محکوم علیه حق ندارد ابنیه آنرا خراب کند یا اشجار آنرا بیندازد یعنی چه یعنی در واقع میخواهد سلب تسلط و سلب سلطه مدعی علیه را نسبت بآن ملکی که دعوی باو شده است بکند یعنی بمجردی که تقدیم عرضحال کرد مدعی که تقدیم عرضحال کرد و در عرضحالش هم تقاضای تأمین کرده بود و محکمه هم این را پذیرفت دیگر این سلب تسلط مالک را نسبت باین ملک میکند که درخت را نمیتواند بیندازد ابنیه اش را نمیتواند خراب کند بنده با این مخالفم برای خاطر این که چه چیز سلب میکند سلطنت مالک را از ملک خودش لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض. من مالک هستم نسبت باین خانه سلب سلطنت من را از این خانه یا حکم محکمه میکند که حکم از محکمه صادر شود که سلطنت من از بین برود یا تجارت عن تراض واقع شود یا مطابق قانون مدنی که ما داریم سلب سلطنت مرا بکند نه در موقعی که من محکوم نشده ام سلب سلطنت من بشود اگر من محکوم شدم که هم خسارت را از من بگیرند و هم عین را بگیرند حالا در اینجا نظریات مختلف است. در دوره چهارم هم نظیر این مسئله پیش آمد که در تأمین مدعی به ملکی را بعنوان تأمین مدعی به توقیف کرده بودند بعد عنوان اینطور شد که آیا سلب سلطنت مالک از ملکی که بعنوان تأمین مدعی به توقیف شده است میشود یا نمیشود خیلی در این باب صحبت شد. حالا بنده میخواهم بگویم بعد از آن که تأمین شد نقل و انتقال بدهد اما سلطنت خودش را از بین ببرند که درخت را بیندازد بنده مخالفم اگر محکوم واقع شد خسارت هم میدهد

مخبر - با این بیانی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند در اینصورت تأمین مدعی به موردی نخواهد داشت زیرا

یکی از آثار توقیف که در مواد بعد میآید این است که اصلا حق نقل و انتقال ندارد یعنی مدعی علیه که اموالش مورد آن توقیف شده است حق نقل و انتقال ندارد و اگر نقل و انتقال بدهد ترتیب اثر قانونی ندارد ترتیب اثر بان نقل و انتقال نخواهند داد چه رسد باینکه اشجارش را قطع کند یا نکند یا بنایش را خراب کند یا نکند و تصدیق میفرمائید املاکی که غالبا در بیلافاقت هستند در این ملک فایده شان بیشتر از اشجارشان است فرض کنید یک ملکی توقیف شده است اگر آن کسی که متصرف است اشجارش را انداخت و حیف و میل کرد در آتیه تدارکی برای محکوم له شما نمیتوانید بکنید. زمین ساده را توقیف کردن بصرف اینکه نقل و انتقال ندهد اینکه فایده ندارد بنا بر این باید این ماده در اینجا باشد و آنکسی هم که ملکش توقیف شده است حق ندارد که درختش را بیندازد یا غرس کند یا بنائی را خراب کند منتهی سایر عملیات فلاحی و زراعتی را از نقطه نظر اینکه ممکن است جبران خسارت بتوان کرد و تدارکش مشکل باشد جلوگیری نمی شود کرد الا اگر یک فلسفه دقیقی در نظر بگیرید باید گفت سایر اقداماتش هم جلوگیری شود تا به بینم حق با کدام طرف است اصلا این مالک هست یا نه اگر مالکیت کسی محرز و مسلم باشد کسی حق ندارد حق را از او سلب کند اگر يك کسی مالکیتش مشکوک است باید رسیدگی کنیم به بینیم حق دارد یا ندارد. در مورد همچو شخصی این اندازه تضییق بنظر بنده اشکالی ندارد.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنده از جهانی اصولا با این ماده موافقم ولی نسبت بکلیت آن يك نظری دارم برای این که البته قرار تأمین برعکس نظر آقای تصمیم قضائی و قانونی است و موجب سلب تصرفات مالکانه مدعی علیه است و تعمیم دارد ولی این ماده مخصص آنست یعنی این تعمیم قضائی و قانونی مخصص دارد و مجوز منع نیست و بنده

پیشنهاد آقای لاریجانی

بنده پیشنهاد مینمایم که فراز ذیل باخر ماده ۳۱ اضافه شود:

در اینصورت بایستی با اطلاع اداره اجرا یا محکمه که قرار توقیف را صادر نموده بوده باشد

پیشنهاد آقای مجد ضیائی

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۳۱ این طور اصلاح شود هرگاه ملکی که عین مدعی به و محکوم به است توقیف شود مدعی علیه حق ندارد ائینه آنرا خراب یا اشجار آنرا بیندازد مگر باستحضار مالک اصلی آن ملک آنهم باندازه که برای حفظ ملک لازم باشد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده ۳۱ حذف شود

[۵ -- موقع و دستور جلسه بعد -- ختم جلسه]

رئیس -- آقایان ونوق -- مزید احمدی -- هزار جریبی

پیشنهاد میکنند جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده یکشنبه ۲۲ دیماه

باشد و دستور بقیه مذاکرات امروز

[مجلس موقع ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر

با اینکه بطور کلی حق نداشته باشد درختی را قطع کند یا بنائی را بسازد با اطلاق بنده مخاتم زیرا ممکن است اشجاری باشد که لازم باشد قطع شود و دوامش مستلزم خرابی باشد در اینصورت باید قطع شود منتهی امتعه و مواد موجوده و حاصله از آن مصون از تصرف باشد یا اینکه يك بنای خرابی است مالک بخواهد او را خراب کند بهتر بسازد در اینصورت هم این قرار که مفاد و مقتضای آن منع تصرفات مالکانه است نباید منافی با این عملیات باشد و بنده از این نقطه نظر معتقدم که بایستی مطالعه در این باب بشود

مخبر -- عبارت اخیر ماده نظریه حضرتعالی را تأمین میکنند بجهت اینکه نوشته است هرگاه ملکی که عین مدعی به یا محکوم به است توقیف شود مدعی علیه یا محکوم علیه حق ندارد ائینه آنرا خراب کند یا اشجار آنرا بیندازد مگر باندازه که برای حفظ خود ملک از خرابی لازم است یعنی آن اندازه اش مجاز است اما اینکه فرمودید يك بنائی را خراب کند و عمارت بهتری از نو بسازد ممکن است است بضرر آن محق باشد که فرد از این تأمین میخواهد استفاده کند و تشخیص اینکه آیا او رفته است یک عمارت بهتری ساخته است یا تاساخت است و چقدر خرج کرده است یا نکرده است اینهم بر خودتان تصدیق بفرمائید که این خود یک محاکمه ایجاد خواهد کرد هیچ موجبی ندارد که ما یک دعوائی ایجاد کنیم خوب صبر کنند تا این گفتگو تمام شود و حکم بحقانیت او صادر شود آنوقت برود هر کاری که دلش میخواهد بکنند و این را هم بنده اطمینان میدهم که ملکی که در تحت توقیف عدلیه است آنقدرها آن شخص خاطر جمع نیست که برود و یک پولهای خرج کند و ساختمانی بکند

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنده اجازه نخواستم

رئیس -- پیشنهاداتی رسیده است قرائت میشود: